

تحلیل گفتمان «از آن خودسازی» تاریخ در هنر انتقادی هنرمندان آمریکایی آفریقایی تبار

ترنم تقوی، دکترای پژوهش هنر، گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

<https://orcid.org/0009-0005-3003-9074>

مصطفی گودرزی، استاد گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

<https://orcid.org/0000-0002-4076-314>

چکیده

تاریخ مملو از نقاشی‌های اروپایی محوری است که معیارهای اصیل هنرهای زیبا را تعیین می‌کنند؛ آنچه که امروزه توسط هنرمندان اقلیت‌های نژادی به چالش کشیده شده است. از اواخر سده نوزدهم، هنرمندان آمریکایی آفریقایی تبار با رجعت به گذشته تاریخی و بهره‌گیری از قهرمانان سیاه‌پوست و اندیشه‌های حماسی و انقلابی‌شان و متأثر از حوادث سیاسی و اجتماعی، با آثار هنری خود به مبارزه علیه استعمار نژادی و ترسیم آینده‌ای روشن برای ملت سیاه پرداختند. اما هنر امروز با آنچه تحت عنوان هنر سیاهان در نیمه دوم سده نوزدهم و نیمه اول سده بیستم می‌شناسیم متفاوت است. این پژوهش در جهت پاسخ به این پرسش که نقش تصاویر در ساختار شکنی امر زیباشناختی مالوف و واسازی ساختار قدرت چیست، با تمرکز بر هنر دوران پست‌مدرن، به تحلیل انتقادی آثار هنرمندان آمریکایی آفریقایی تبار با موضوع «از آن خودسازی» آثار مشهور تاریخ هنر پرداخته است. بنا بر نتیجه از جمله اهداف هنرمندان در این شیوه از بازنمایی، در مرکز قرار دادن اقلیت‌های طرد شده، تاکید بر هنرهای زیبا به‌عنوان چیزی فراتر از ملیت و نژاد، ایجاد یک ضد روایت، واسازی ساختار قدرت، توانمندسازی سیاهان در فرهنگ غرب و ایجاد حس برابری است. این تحقیق بر اساس ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای است.

کلمات کلیدی: هنرمندان آمریکایی آفریقایی تبار، تحلیل گفتمان انتقادی، از آن خودسازی، هنر معاصر، پست مدرن

¹ نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۵۶۲۴۰۰۶، شماره: ۴۴۸۹۲۳۷۷-۰۲۱ Email: taghavi_tm@yahoo.com

بخشی از مقاله پیش رو برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «گفتمان تعهد اجتماعی در هنر معاصر: با تاکید بر هنرهای تجسمی معاصر ایران در دو دهه اخیر» به راهنمایی نگارنده دوم است.

مقدمه

هنر بخشی از جامعه بوده و در هیچ یک از اقسام خود مستقل از آن نیست و جامعه در هر نقطه جغرافیایی، تقسیمات طبقاتی مشخص با منافع طبقاتی متفاوتی دارد که بر کارکرد هنر موثر بوده و بر این مبنای هنر بر اساس دیدگاه طبقاتی اش، ارزش‌های متفاوتی را بیان می‌دارد. یکی از کارکردهای هنر در دنیای معاصر، مبارزه علیه اشکال سلطه مانند نژادی، قومی و طبقاتی از طریق «از آن خود سازی» آثار شاخص تاریخ هنر است. «در دهه ۱۹۷۰، نشریه آرت فورم در پی مباحثی با عنوان «هنرمند و سیاست» پرسش‌هایی را پیرامون بحران سیاسی روزافزون در امریکا مطرح نمود که طیف وسیعی از پاسخ‌ها و نظرات حول رابطه بین آفرینش هنر، مساله تعهد و درگیری‌های مستقیم دیگر با سیاست را به همراه آورد» (آرچر، ۱۳۹۸: ۱۱۷) و هنر دوران پست‌مدرن را به هنری با اهدافی سیاسی اجتماعی همچون مبارزه علیه شاهکار ساختن برخی آثار هنری، علیه قهرمان‌سازی، علیه تضادهای جنسیتی و نژادپرستی و به هنری جهت‌وا سازی ایدئولوژی‌های پنهان گفتمان قدرت تبدیل ساخت. این محتوای انتقادی، روش‌های متفاوتی را برای بیان و عرضه خود انتخاب می‌کرد؛ از ارایه‌ای رئالیستی گرفته تا کبی، اثر التقاطی، ارجاع‌های پر کنایه و «از آن خود سازی» آثار هنری که در نگاه نخست با طنز و مطایبه همراه است. در واقع با شکل‌گیری جنبش اجتماعی هنر در دوران پست‌مدرن، فمینیسم، مساله جنسیت، نژاد و هویت به مساله اصلی مطالعات فرهنگی و به موضوعی برای خلق آثار هنری تبدیل گردید و هنرمندان از هر آنچه برای بیان تصویری کثرت‌گرا به کار آید بهره برده‌اند. این پژوهش با نگاهی گذرا به مفهوم گفتمان انتقادی در نگاه متفکرانی چون نورمن فرکلاف و خوانشی بر سیر تاریخی شکل‌گیری هنر سیاهان، به بررسی مولفه‌های انتقادی آثار نقاشی هنرمندان آمریکایی-آفریقایی‌تبار در دوران معاصر با موضوع بازتولید شاهکارهای هنری و از آن خودسازی تاریخ هنر می‌پردازد. چنین به نظر می‌رسد که دوران معاصر، هنرمندانی را به جهان عرضه کرده است که مشتاق تفسیر و بازنمایی مجدد شاهکارهای هنری بودند تا فرهنگ‌های کمتر بازنمایی شده را در معرض دید گذاشته و اقلیت‌های طرد شده را از حاشیه به مرکز گفتمان ارتقا دهند.

روش پژوهش

این تحقیق در زمره تحقیقات بنیادی- نظری محسوب گردیده و بر اساس ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها کیفی بوده و بر مبنای توصیف- بیان ویژگی‌ها و جوانب نظریه- صورت گرفته است. در این پژوهش پس از خوانش سیر تاریخی هنر انتقادی هنرمندان آمریکایی آفریقایی‌تبار، به بررسی گفتمان انتقادی برخی از آثار هنری با موضوع «از آن خودسازی» آثار شاخص تاریخ هنر با تمرکز بر آثار نقاشی پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

پیشینه این پژوهش از دو منظر «هنر سیاهان» و «از آن خود سازی» هنر قابل بررسی است. از جمله مقالاتی که به موضوع هنر سیاهان پرداخته است مقاله صدرالدین طاهری با عنوان «تحلیل نشانه‌شناختی روایت اقلیت دوچندان در هنر لورنا سیمپسون» (۱۳۹۷) است. نویسنده در این نوشتار به بررسی مقوله فمینیسم سیاه و نظریه نقطه اشتراک پرداخته و نمود آن را در آثار سیمپسون مورد تحلیل قرار داده است. کیمبرلی پیندر در کتابی با عنوان تاریخ هنر نژاد: خوانش‌های انتقادی درباره نژاد و تاریخ هنر (۲۰۰۲) به بررسی مقوله پیچیده و در حال تغییر نژاد و اهمیت آن در فرهنگ بصری پرداخته است. رومی بیردن و هری هندرسون در کتاب تاریخچه هنرمندان آفریقایی آمریکایی: از سال ۱۹۷۲ تا کنون (۱۹۹۳) به مطالعه تاریخ هنر سیاهان در دوران معاصر پرداخته‌اند. از منظر مطالعه چیستی «از آن خود سازی» در هنر معاصر، کتاب جعل و از آن خودسازی هنر (۱۳۹۷) گردآوری و ترجمه زهرا قیاسی و مقالاتی چون «از آن خود سازی هنری و تعیین جایگاه حقوقی پدید آورنده» (۱۳۹۹)، نوشته آسان شیوا، منصور حسامی و زهرا شاکری، «از آن خودسازی و فلسفه ژیل دلوز: جستاری درباره ارتباط تفکر و ضد افلاطون‌گرایی دلوزی با هنر مدرن» (۱۳۹۸)، نوشته مجید پروانه‌پور و سعید

بینای مطلق و «بررسی مفهوم از آن خودسازی در هنر معاصر با نگاه به آثار باربارا کروگر، سیندی شرمین و شری لوین» (۱۴۰۱)، نوشته سارا لعل کمالیان، از مجموعه مقالاتی است که به این مبحث از دیدگاه هنری، فلسفی، تاریخی و حقوقی پرداخته‌اند. پژوهش پیش رو با بهره‌گیری از مطالعات صورت گرفته و با تمرکز صرف بر هنر انتقادی هنرمندان آمریکایی آفریقایی‌تبار و با تأکید بر آثار نقاشی، که به از آن خودسازی تاریخ هنر پرداخته‌اند، به بررسی هنر اجتماعی انتقادی دوران معاصر با موضوع هویت و نژاد پرداخته است.

تحلیل گفتمان انتقادی؛ توجه به روایت‌های خرد

دوران پست‌مدرن در جهان غرب دوران واقعیت‌های مبهم و چندپهلوست؛ دوران بازخوانش واقعیت و تاریخ بر مبنای آشکارسازی رویه‌های پنهان گفتمان شکل‌دهنده قدرت، روابط قدرت در چارچوب پدیده‌های فرهنگی و جلب توجه به روایت‌های خرد. در این دوران «کسانی که مورد بی‌توجهی روایت‌های کلان واقع شده بودند اکنون می‌خواستند صدایشان شنیده شود. اینجا بود که پسامدرن بر کسانی متمرکز شد که حذف شده بودند و در نظریه به آنان لقب حاشیه‌ای داده می‌شد؛ یعنی افراد و گروه‌های متفاوت، دیگری‌ها و کسانی که خارج از کانون‌های توجه قرار داشتند» (ملپس و ویک، ۱۳۹۷: ۲۰۲). در این برهه، گفتمان انتقادی با رویکردی اصلاح‌گرایانه به بررسی وضعیت جامعه برای کشف ساخت‌های پنهان اجتماعی پرداخت و با تمرکز بر روش‌های بهره‌وری از قدرت و سلطه اجتماعی توسط گفتمان مسلط، و نیز مقاومت متون در بافت‌های اجتماعی و سیاسی درمقابل آن‌ها، ذهن مخاطب را به طرح سوالاتی چون: چه کسی تاریخ را می‌نویسد؟ چه کسی و چگونه نشان داده می‌شود؟ چه کسی آن را به اشتراک می‌گذارد؟ چه کسی آن را شکل می‌دهد؟ و سوالاتی نظیر آن وا داشت.

بر این مبنا «نظریه انتقادی رویکردی است که همه انواع دانش، اعم از علمی، اخلاقی یا زیبایی‌شناختی را ناشی از منافع اجتماعی می‌داند... نظریه انتقادی تبیین‌های عام را از سوی هر رویکردی که صورت گرفته باشد، نفی می‌کند و در عین حال، از هر یک از رویکردها تبیین‌هایی را اخذ و ترکیب می‌کند که بتوانند به تدوین یک نظریه‌ی هنجاری کمک کنند؛ نظریه‌ای درباره آنچه باید برای رهایی سوژه‌های کنش اجتماعی از قید سلطه انجام داد» (مکاریک، ۱۳۸۳: ۳۳۴-۳۳۵). در واقع امروزه گفتمان در وجه انتقادی خود «با نقد مفاهیمی چون سلطه، زور، قدرت، مهاجرت، نژادپرستی، تبعیض جنسی، نابرابری قومی و ... عجین گشته است» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۰). فرکلاف تحلیل انتقادی را شیوه‌ای برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی دانسته و آن را مرجعی در نزاع علیه استثمار و سلطه می‌داند. او توان طبیعی‌سازی ایدئولوژی‌ها را از جمله ویژگی‌های مهم یک صورت‌بندی ایدئولوژیک گفتمانی مسلط دانسته و معتقد است «اختیار کردن اهداف انتقادی، به معنی این است که در جهت روشن کردن این‌گونه طبیعی‌شدگی‌ها بکوشیم و به بیان کلی‌تر به معنی این است که تعیین‌ها و تأثیرات اجتماعی گفتمان را که ماهیتاً از دید مشارکین آن مخفی می‌مانند آشکار سازیم» (همان: ۲۷).

بنا بر گفتمان انتقادی، هر نظام اجتماعی با مشروعیت بخشیدن به برخی از نظام‌های معنایی، دیگر معانی موجود را به حاشیه رانده و حذف می‌کند. این شیوه از نگاه به دیگری بی‌تردید تمامی ارکان فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را در بر گرفته و در این میان، هنر به عنوان یکی از مهم‌ترین تولیدات فرهنگ از این قاعده مستثنا نیست. تنودور آدورنو با بازگشت به مفهوم شی‌گشتگی به جبر اجتماعی زبان و تفکر پرداخته و شی‌گشتگی را وضعیتی می‌داند که نظام اجتماعی انسان‌ها را به نقش‌های بطور اجتماعی تعیین‌شده محدود می‌کند. بر این اساس در حالت شی‌گشتگی شبکه ناشناخته روابط اجتماعی که هریک قید و بندهای ویژه خود را دارند آگاهی خودبنیاد فرد را به بند کشیده و همه چیز و همه کس را در سطحی یکسان قرار می‌دهند» (کولاکوفسکی، ۱۳۸۷: ۴۱۱). به عنوان مثال «منتقدین هنر آمریکایی در دهه چهل، اغلب از هنرمندان آمریکایی آفریقایی‌تبار انتظار داشتند که آثاری بدوی و مرتبط به فرهنگشان (نظیر آنچه در رنسانس هارلم شکل گرفته بود) پدید آورند. از این‌رو آن دسته از آثار هنرمندان آمریکایی-آفریقایی‌تبار که ارجاعی به فرهنگ آفریقایی و بدوی و سنتی در خود نشان نمی‌دادند با سردی و عدم توجه مواجه می‌شدند. این مساله سبب گردید که برخی هنرمندان، آثاری را پدید آورند که آن‌ها را با عواطفشان و واقعیت زیسته زندگی‌شان حس نکرده بودند؛ آثاری که تنها تکراری ضعیف از آثار هنرمندان

سفیدپوست و خواست نگاه آنان بود، نه چیزی از خود. اما چنین به نظر می‌رسد که هنر به عنوان ابزاری رهایی‌بخش این توان را دارد که بر علیه شی‌شدگی و اکنش نشان داده و به واسازی ابزار سلطه بپردازد. به‌عنوان نمونه، برخی هنرمندان در اعتراض به این رویه، شیوه‌های نوینی را برای بازنمایی آثار خود انتخاب کردند؛ از ناشناس باقی ماندن از طریق پنهان کردن هویت خود گرفته تا اتخاذ بیانی عام‌تر و انتزاعی‌تر. در این میان برخی دیگر با بازخوانی مجدد و از آن خودسازی آثار هنری مشهور، به تعریف تازه‌ای از هویت و نقد استعمار تصویری پرداخته‌اند. هدف خلق این آثار در خوانشی انتقادی، تزلزل نظام‌های معنایی حاکم و تشریح فهم‌های بدیهی انگاشته و تبدیل آن‌ها به موضوع بحث و نقد و سرانجام، آماده کردن آن‌ها برای تغییر و بازسازی است. و چنانچه فرکلاف در کتاب زبان و قدرت بیان می‌دارد هدف اصلی تحلیل انتقادی «کمک به افزایش هشیارستی نسبت به اینکه چگونه زبان در حاکم شدن بعضی به بعضی دیگر نقش دارد، زیرا که هشیارستی اولین قدم به سوی رهایی است» (Fairclough, 1996: 2).

«از آن خودسازی» در هنر معاصر

«از آن خودسازی» در معنای تصرف و به تملک درآوردن چیزی و در نسبت با هنر به معنای استفاده یا اقتباس از آثار هنری از پیش موجود و عاریتی برای خلق اثری تازه است. «از آن خود سازی» به هدفی خاص، کنشی اقتباسی بود که در وضعیت هنر معاصر با محوریت پست‌مدرن‌گریزی از آن نبود. دهه ۱۹۶۰ شاهد ظهور روندی بود که دست هنرمندان را برای اقتباس و از آن خودسازی آثار هنرمندان دیگر بدون تغییر یا با اندکی دستکاری یا با وارد کردن اجزایی از آثار هنری دیگران به آثار خود، به هدف جایگزین کردن صدای خود به جای صدای دیگری و جانشین کردن معنای جدیدی به جای معنای پیشین باز کرد. از آن خودسازی هنر در دهه ۱۹۸۰ به اوج خود رسید و امروزه استفاده گسترده از گرتته‌برداری تصاویر در خلق آثار هنری امری رایج شده است. نکته حائز اهمیت آن است که از آن خود سازی در جهان پست مدرن با سرقت هنری متفاوت است زیرا هنرمند از آن خودساز با ایجاد تحول در محتوای اثر، متنی مستقل تولید کرده و خوانش نوینی از اثر را فراهم می‌سازد. از آن خود سازی در هنر می‌تواند اشکال متفاوتی را پذیرا باشد. از ویژگی‌های بصری و فرم زیباشناسانه و سبک هنری گرفته تا محتوا و مضمون اثر هنری. گاه در اقتباس از یک متن ادبی یا نمایشی و تبدیل آن به هنرهای تجسمی و بالکس، گاه با تغییر در بعد زمانی و جغرافیایی یک اثر و گاه با افزودن تفسیری متفاوت به اثری آشنا با تغییر نژاد یا طبقه شخصیت‌های اصلی اثر. جولی ساندرز مؤلف کتاب اقتباس و تصاحب به نقل از دבורا کارتمل اقتباس را به سه نوع تقسیم می‌کند: انتقال، تفسیر و قیاس^۱ (sandèrs, 2006: 20). در انتقال با ارایه یک متن از گونه‌ای (مثلاً ادبیات) به گونه‌ای دیگر (مثلاً نقاشی) مواجهیم. در تفسیر، هنرمند با استفاده از متون آشنا و بار فرهنگی و بینامتنیت آن در نزد مخاطبان، معنایی را به اثر اضافه می‌کند که معمولاً نگاهی انتقادی به فرهنگ و سیاست زمینه شکل‌گیری منبع اصلی اثر دارد. در قیاس هنرمند با انگیزه‌ای شخصی به اضافه کردن سوزها و اجزای دل‌خواه خود به اثر می‌پردازد. در اشکال مختلف یاد شده «کار محوری پسامدرنیستی عبارت از نوعی ساختارشکنی یا شالوده‌شکنی به مثابه جریان‌پریش برانگیز، استفهام‌آمیز، ارزیابی‌کننده یا سنجش‌گر، ویران‌گر، بر هم زننده و گسست ایجاد کننده است» (وارد، ۱۳۹۳: ۱۴۴). در یک جمع‌بندی کلی، هنرمند در یک کنش اقتباسی آگاهانه، بنا بر خواست هدفمند خود، به جای تمرکز بر مفاهیمی چون آفرینش و اصالت اثر، از خلق اثری خود ارجاع دوری جسته و اثرش در تعامل با سایر آثار قرار می‌گیرد. این تعامل‌گزینی و آگاهانه با تمرکز بر وجوه متفاوت فرهنگی و سیاسی و اجتماعی متن مبداء و مقصد، در اشکال متفاوت خود، در متن تازه معنایی نوین خلق کرده و این تغییر ماهیت معنای اولیه و آشنایابی از متن نخست، هدف اصلی هنرمند از آن خود ساز است.

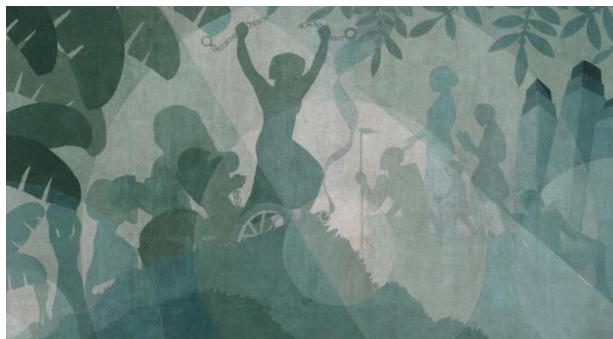
خوانش سیر تاریخی هنر انتقادی هنرمندان آمریکایی آفریقایی تبار

«نژاد مساله‌ای مهم و کلیدی نه تنها در مطالعه فرهنگ‌های معاصر، بلکه در بررسی تاریخ استعمارگری و به‌ویژه از طریق نظریه پسااستعماری است. اصطلاح پسااستعماری بر تمامی آن فرهنگی دلالت دارد که به‌وسیله فرایند سلطه‌گری از لحظه مستعمره‌سازی تا حال حاضر تحت‌تاثیر قرار گرفته است» (Ashcroft & Griffins & Tiffin, 1989: 2). قلمرو در حال گسترش تاریخ هنر در سال‌های اخیر نشان داده که مورخان هنر تاثیر نژاد بر

بازنمود را در گستره‌ای وسیع از بافتارهای فرهنگی از جمله استعمارگری بررسی کرده‌اند. در این میان یکی از نواحی موردعلاقه بازنمایی، مردم مستعمره‌ها و رنگین‌پوستان، به‌ویژه در نقاشی و عکاسی است» (کشمیرشکن، ۱۳۹۸: ۹۸).

پژوهشگران نظریه پسااستعماری با به فعلیت رساندن نظریه‌های نژاد و قدرت، به مطالعه متون و آثار هنری، برای بازیافتن تاریخ‌های فراموش شده می‌پردازند. در این دوران تلاشی گسترده در جهت رفع مسائل و معضلات اجتماعی با رویکردی به نابرابری‌های مربوط به طبقه، نژاد، جنسیت، قوم و... در قبال افرادی که در معرض تبعیض، خشونت، استثمار، سرکوب و در بهترین حالت در معرض دیده نشدن قرار گرفته‌اند، سربرآورد و آنچه در دوران مدرن پدیده‌ای فرعی و طرد شده بود، در جهان پست‌مدرن به مساله‌ای محوری تبدیل شد. در این مقطع، تلاش برای آشکار کردن اشکال پیدا و پنهان این تبعیض‌ها و بازسازی تصویر اجتماعی و باخوانی تاریخ این گروه‌های هویتی به رویکردی غالب در آثار هنر معاصر تبدیل گردید و «سیاست هویت» به یکی از کلیدی‌ترین واژگان مرتبط با جوامع چند فرهنگ‌گرای دوران معاصر تبدیل شد. فروپاشی فراروایت‌های فروگاهنده‌ای که ناتوانی‌شان در تحقق آرمان‌های آزادی‌بخش موعود، به‌طور عملی به اثبات رسیده بود، به جایگزینی سیاست بی‌مرکز متکثری منجر شد که جستجوی رفع مسائل اجتماعی را در سطح گروه‌های هویتی (نژادی، قومی، جنسیتی و جز آن) ممکن می‌دید» (صحافزاده، ۱۳۸۹: ۱۷۹). توجه به موضوعات اجتماعی - محلی، هنر مخاطب‌مدار و هنر تلفیق شده با عوامل اجتماعی و رویدادهای محلی با رویکردی به نظریه‌های مارکسیسم و فمینیسم و نظریات پسااستعماری در این دوران بیش از پیش پا گرفت. در این میان هنرمندان رنگین‌پوست (سیاهان) بیش از دیگر گروه‌های مستعمره، سعی در بازنمایی تاریخ خود در گسست از نگاه دیگری داشته و با رجعت به گذشته تاریخی و بهره‌گیری از قهرمانان سیاه‌پوست و اندیشه‌های حماسی و انقلابی‌شان و بهره‌گیری از حوادث سیاسی و اجتماعی، به مبارزه علیه استعمار نژادی و ترسیم آینده‌ای روشن برای ملت سیاه پرداخته‌اند.

کنگره آمریکا در ژوئیه ۱۸۶۲ در زمان ریاست‌جمهوری آبراهام لینکلن با تصویب قانون دوم توقیف و صدور اعلامیه آزادی و لغو برده‌داری، بردگان را آزاد ساخت. با آنکه هنرمندان آمریکایی افریقایی‌تبار در این زمان هنوز فرصتی برای ابراز حقیقت وجودی خود نیافته بودند اما مبارزه بر سر کسب هویت آغاز شده بود. در واقع با آنکه پیش از دهه شصت، مبارزاتی بر سر مسائل نژادی شکل گرفته و گاه با موفقیت‌هایی همراه بود اما پس از این تاریخ بود که اقلیت‌های طرد شده فرصتی برای بیان خود پیدا کردند. سرانجام در اواخر سده نوزده، بیداری طبقه متوسط و اقلیت‌های اجتماعی و میل به احقاق حقوق از دست رفته، آثار را وارد عرصه نوینی از موضوعات هنری کرد و اقلیت‌های طرد شده را به سطح گفت‌وگوهای جاری ارتقا داد. رابرت داکسن و هنری اوساوا تانر، اولین نقاشان افریقایی-آمریکایی بودند که تحسین جامعه جهانی را به دست آوردند. در سال ۱۸۹۲، تانر، معروف‌ترین اثر خود با عنوان «کلاس درس بانجو» (تصویر شماره ۱) را به تصویر کشید. این نقاشی نمایش گر یک مرد سیاه‌پوست مسن، در حال آموزش پسر بچه‌ای است که شاید نوه او باشد. این اثر به ظاهر ساده، به چند دلیل در تاریخ نقاشی سیاهان مهم است. تصویر سیاه‌پوستان تا مدت‌ها به‌عنوان نماد سرگرمی در فرهنگ آمریکایی به کار می‌رفت و تصویری این‌چنین در کل هنر آمریکا، تنها در اواخر سده ۱۹ ظاهر شد. این اثر، علاوه بر آن که یک نمایش معنادار درباره ویژگی‌های انسانی سیاهان است، به طرز ماهرانه‌ای نقاشی شده است. استفاده تانر از رنگ‌های خنثی، صحنه‌ای صلح‌آمیز را ایجاد می‌کند که بر محیطی گرم و خانوادگی تأکید دارد. در واقع این تصویر و نمونه‌های مشابه آن، نمایشی از آمریکایی‌های سیاه‌پوست و تجربیات روزمره واقعی آن‌هاست تا تجسمی کلیشه‌ای، که ریشه در یک روایت عمومی دارد.



تصویر شماره ۳- ارون داگلاس، هریت تابمن، ۱۹۳۱، نقاشی دیواری در کالج زنان بنت
۱۸۲/۱× ۱۳۷/۱ سانتی‌متر.

<https://lawrenceartscenter.org/2021/02/black-history-month-muralist-aaron-douglas>



تصویر شماره ۲- لوئیس مایلو جونز، صعود اتیوپی،
۱۹۳۲، رنگ روغن روی بوم، ۴۳/۸۲× ۵۹/۶۹
سانتی‌متر.

<https://artsandculture.google.com/asset/the-ascent-of-ethiopia-lois-mailou-jones/XwHAiPWqQyqi6g>



تصویر شماره ۱- هنری اوساوا تانر، کلاس درس
بانجو، ۱۸۹۳، رنگ روغن روی بوم، ۴۰/۱×
۱۲۴/۳ سانتی‌متر، موزه همپتون ویرجینیا.

https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Henry_Ossawa_Tanner_-_The_Banjo_Lesson.jpg

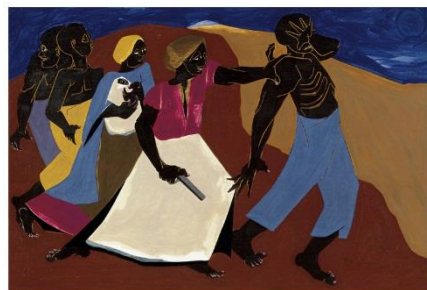
با این حال تا اوایل سده بیستم با بروز هویتی ویژه در هنر سیاهان مواجه نیستیم و این مساله تا دهه دوم سده بیستم ادامه دارد. از جمله اتفاقاتی که در دهه ۱۹۲۰ رخ داد و هنر هویت و نژاد را در مسیری تازه قرار داد، رنسانس هارلم بود. دوره رنسانس هارلم، به انفجار فرهنگی، اجتماعی و هنری اشاره دارد که بین پایان جنگ جهانی اول و اواسط دهه سی در هارلم اتفاق افتاد. در این دوره، هارلم به مرکزی فرهنگی تبدیل شد و درجه اول، نویسندگان و شاعران و به تدریج هنرمندان، عکاسان و موسیقی‌دانان را به خود جلب کرد. رنسانس هارلم، احیای غرور نژادی سیاهان بود و تدریجاً به تغییر نگرش در مورد آمریکایی‌های آفریقایی تبار و نقش آنان در ساختار فرهنگی ایالات متحده منجر گردید. تقریباً از دهه ۱۹۲۰ هنرمندان آفریقایی-آمریکایی در تلاش بودند تا به وسیله هنر، صدای خود را به عنوان اقلیتی تحت ستم، به گوش همگان برسانند. با این حال این هنرمندان در تلاش برای احیای هویت خود، برای دیده شدن آثارشان، ناگزیر ارجاعی مستقیم به فرهنگ آفریقایی خود و رخدادهای رنسانس هارلم داشتند.^۷

لوئیس مایلو جونز از جمله زنان نقاش سیاهپوشتی بود که در نیمه اول سده بیستم به فعالیت هنری پرداخت. نقاشی جونز تحت عنوان «صعود اتیوپی» (۱۹۳۲) (تصویر شماره ۲) تصویری از مبارزه و پیشرفت آمریکایی‌های آفریقایی تبار در ایالات متحده، برای یافتن میراث و هویت خود در طول تاریخ است. محتوای نقاشی او، تکریم و بزرگداشت هویت سیاهان و نشان‌گر آن است که جریان رنسانس هارلم، به ایجاد یک هویت فرهنگی یکپارچه انجامیده است. جونز برای بیان محتوای مورد نظر خود، از چندین شگرد بهره گرفته است. به عنوان مثال، برای به تصویر کشیدن اتیوپی، از پیکره بزرگی که سرپوشی قومی بر سر دارد استفاده کرده تا اهمیت اتیوپی را به نمایش بگذارد. افرادی که به سوی شهر در حال حرکتند، نشان‌دهنده جامعه آفریقایی-آمریکایی و پیشرفت آن‌ها در طول زمان و نمادی از مبارزات سیاهان در طول زندگی است. در این نقاشی، رنگ‌های مورد استفاده به غیر از آبی و سیاه، رنگ زرد است که نشان‌دهنده رستگاری و نور و پیروزی است. کمی پیش از خلق این اثر، آرون داگلاس، نقاش، تصویرگر و گرافیکست آفریقایی-آمریکایی و هنرمند مطرح در دوران رنسانس هارلم، به خلق یک نقاشی دیواری تحت عنوان هریت تابمن پرداخت. (تصویر شماره ۳) داگلاس از



تصویر شماره ۵- ژان میشل باسکیت، بدون عنوان: تاریخ مردمان سیاه پوست، (نیل)، ۱۹۸۳، اکریلیک و مداد رنگی روی بوم، ۱۷۲/۵ × ۳۵۸ سانتی متر.

<https://www.wikiart.org/en/jean-michel-basquiat/the-nile>



تصویر شماره ۴- جاکوب لارنس، هریت تابمن، ۱۹۶۷، تمپرا روی پنبه، موزه هنر کارولینای شمالی

[/https://focusonafricanamericanart.com/product/forward](https://focusonafricanamericanart.com/product/forward)

دایره‌های متحدالمركز و پالت رنگی خاموش و تصاویر سایه‌نما برای به تصویر کشیدن قهرمان مبارز دوران برده‌داری، هریت تابمن، استفاده نمود. پرتو نوری که از مرکز تصویر می‌گذرد، نماد الهام الهی است. سیاه‌پوستان برده آمریکایی در سمت چپ تصویر، خمیده توسط وزنه‌هایی که حمل می‌کنند، از تپه‌ای به سوی تابمن بالا می‌روند و قهرمان تاریخی، دست‌هایش را بالا آورده و زنجیرهای اسارت را پاره می‌کند. چند دهه بعد در سال ۱۹۶۷، درست زمانی که جنبش حقوق مدنی در ایالات متحده در حال افزایش بود، جاکوب لارنس با رجوع دوباره به این شخصیت تاریخی به‌عنوان پیشاهنگ مبارزه با برده‌داری، او را در مرکز صحنه با هفت تیری در دست قرار می‌دهد؛ در حالی که با دست دیگر مردی وحشت‌زده را برای حرکت به سمت جلو تشویق می‌کند. در پشت سر او گروهی از زنان، یکی حامل یک نوزاد، او را دنبال می‌کنند. رنگ روشن دامن قهرمان به‌عنوان نقطه تمرکز نگاه مخاطب و تکرار آن در پوشش نوزاد، مفهوم نمادین روشنایی را برای نسل آینده نوید می‌دهد. (تصویر شماره ۴)

با گذر زمان و برپایی نمایشگاه‌هایی از هنرمندان غیرسفیدپوست در پاریس و لندن که پیش از این در انحصار نهادی سفیدپوستان قرار داشت، نقدهای سیاسی و اجتماعی وجهه آشکارتری را در آثار هنری به نمایش گذاشتند. (بحث برانگیزترین هنرمند آفریقایی- آمریکایی دهه ۱۹۸۰، ژان میشل باسکیت است که در سال ۱۹۸۸ در سن ۲۷ سالگی درگذشت. او ریشه‌های پورتوریکویی داشت و از یک خانواده طبقه متوسط که هیچ پیوندی با فرهنگ و هنر آفریقایی آمریکایی نداشت، برخاسته بود. کارهای اولیه او دیوار نوشته‌هایی بود که در بسیاری از آثار معاصران نیویورکی او به‌وفور دیده می‌شود) (لوسی اسمیت، ۱۳۸۰: ۲۷۶). باسکیت در نقاشی‌های خود، از مفاهیم اجتماعی، به‌عنوان ابزاری برای حمله به ساختارهای قدرت و سیستم‌های نژادپرستی استفاده می‌کرد. آثار وی در انتقاد از استعمار و حمایت از مبارزه طبقاتی، کاملاً سیاسی بودند. او در اثری تحت نام «بدون عنوان» (تاریخ مردمان سیاه‌پوست) یا (نیل) (۱۹۸۳) (تصویر شماره ۵) از مصریان به‌عنوان مردمانی آفریقایی تبار یاد کرده و تفکر غربیان در باره مصر باستان به‌عنوان مهد تمدن غرب را زیر سوال برده است. در مرکز نقاشی، یک قایق مصری، توسط اوزیریس، خدای مصری، در رودخانه نیل در حال حرکت است. در سمت راست نقاشی، کلمات «Slave» و «Esclave» به معنای «برده» نوشته شده و کلماتی که پاک و زوده شده، شاید نمادی از عملکرد مورخانی است که به راحتی فراموش کرده‌اند که مصریان سیاه‌پوست بوده و سیاهان به بردگی گرفته شده‌اند. در دیگر بخش‌های نقاشی، تصاویری از تجارت برده‌های آتلانتیک (اقیانوس اطلس) با تصاویری از تجارت برده‌های مصری، در کنار هم قرار گرفته و تصویر یک داس در مرکز تابلو، ارجاعی مستقیم به تجارت برده در آمریکا و کار برده‌داری تحت سیستم زراعت است. کلمه «salt» به معنای «نمک» که در سمت راست اثر نوشته شده، اشاره‌ای به تجارت بردگان اقیانوس اطلس دارد، زیرا نمک کالای مهم دیگری بود که در آن زمان معامله می‌شد.



تصویر شماره ۷- بتی سار، آزادی عمه جمیما، ۱۹۷۲.
<https://www.sartle.com/artwork/the-liberation-of-aunt-jemima-betye-saar>



تصویر شماره ۶- فیث رینگولد، مجموعه مردم آمریکا، ۱۹۶۷، موزه هنر مدرن نیویورک.
<https://www.washingtonpost.com/graphics/2020/entertainment/faith-ringgold-american-people-series-20-die>

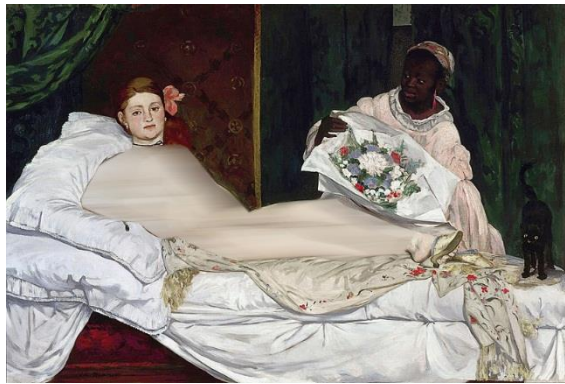
تصویر شماره ۸- کارا واکر، لطیف، ۲۰۱۴، کارخانه شکر بروکلین.
<https://www.nytimes.com/2014/05/12/arts/design/a-subtlety-or-the-marvelous-sugar-baby-at-the-domino-plant.html>



یکی از نکات مورد توجه در هنر سیاهان آن است که تقریباً از دهه ۱۹۶۰ با اوج‌گیری نهضت جنبش برای برابری یا جنبش حقوق مدنی در ایالات متحده، در راستای اعتراض به امتیازات نابرابری رای و سایر مشکلات اجتماعی و اعتراض آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار، تعدادی دیگر از اقلیت‌های منتهی به جنبش آمریکایی-آسیایی، مانند جنبش چیکانو، جنبش هندی-آمریکایی و جنبش‌های مرتبط با جنسیت به همراهی با آن پرداختند. تفاوت جنبش‌های اجتماعی دهه ۱۹۶۰ با جنبش‌های کارگری پیش از خود در آن بود که هدف آن‌ها بیش از آن‌که نفی وابستگی‌های طبقاتی و مساله فقر و بی‌خانمانی باشد، بر مباحث هویتی مانند نژاد و جنسیت مبتنی بود. این‌گونه است که در هنر معاصر، بیش از همیشه با هنرمندانی مواجه می‌شویم که در آثارشان اقلیتی دوچندان را به نمایش می‌گذارند. این مساله در دهه ۷۰ و ۸۰ بیش از پیش گسترده شد و هنر انتقادی سیاهان را در ترکیب با دیگر اقلیت‌های طرد شده به گفتمان جاری در سطح اجتماع تبدیل کرد. به عنوان نمونه از دهه ۱۹۶۰، در میان نظریه‌پردازان و اندیشمندان فمینیستی، گرایشی نوین پدیدار شد که هدفش تمرکز بر محدودیت‌های زنان رنگین‌پوست، به هدف ارتقای موقعیت آنان در جامعه بود. پس در این‌جا تنها جنسیت مطرح نبود، بلکه تشخیص تفاوت بین هویت‌ها، مسائل نژادی و فرهنگی و طبقه اجتماعی را نیز در بر می‌گرفت. فیث رینگولد از جمله هنرمندانی است که آثارش در زمره آثار اعتراضی به کاستی‌های برآمده از اقلیت‌های هویتی است. او در آثارش با تمرکز بر محدودیت‌های زنان رنگین‌پوست، به دنبال کسب موقعیتی برابر برای آن‌ها بوده و مقولاتی چون جنسیت‌گرایی، ستم طبقاتی و نژادپرستی را به نمایش می‌گذارد. او بیش از همه، برای لحاف‌های چهل‌تکه روایت‌گرش شناخته شده و بسیاری از نقاشی‌هایش بر مسائل نژادپرستی متمرکز شده است. رینگولد اولین مجموعه سیاسی خود با نام «مردم آمریکا» (تصویر شماره ۶) را در سال ۱۹۶۳ نقاشی کرد.

۴

«زنان هنرمند دیگری همچون بتی سار و دخترش آلیسون سار آثارشان به همان اندازه که به وضعیت خاص زنان سیاهپوست در جامعه آمریکا مربوط می‌شود، در برگیرنده هویت کلی اقلیت افریقایی-آمریکایی نیز هست. به همین دلیل پیوند آن‌ها با سنت فمینیسم به همان اندازه ارتباطشان با اوج‌گیری آوای هنرمندان افریقایی تبار آمریکا مستحکم و پابرجاست» (لوسی اسمیت، ۱۳۸۰: ۲۷۹). چندگانگی هویتی، در یکی از آثار بتی سار با عنوان «آزادی عمه جمیما» (۱۹۷۲) (تصویر شماره ۷) قابل مشاهده است. در این اثر هنرمند بر آزادی زنان و امریکاییان افریقایی تبار هم‌زمان تاکید می‌کند. عمه جمیما یک تفکر کلیشه‌ای نژادپرستانه است که از اواخر سده نوزدهم به‌عنوان مارک تجاری محصولات پخت پنیک مورد استفاده قرار گرفت. «او به‌شکل زن سیاهپوست چاق و خندان با دستمالی چهارخانه بر سر، معمول‌ترین شکل بازنمایی مادران و بردگان امریکایی افریقایی تبار به‌شمار می‌رفت. در نقاشی سار، عمه جمیما را با مایه‌های کیچ می‌بینیم که در برابر تصاویر تکرارشونده اصلی این شخصیت، در حالی که در یک دست جارو و در دست



تصویر شماره ۱۰- ادوار مانه، المپیا، ۱۸۶۳، رنگ روغن روی بوم، ۵/۱۳۰ × ۹۰ سانتی-متر، موزه اورسی پاریس.

[https://en.wikipedia.org/wiki/Olympia_\(Manet\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Olympia_(Manet))



تصویر شماره ۹- لری ریورز، من المپیا را در چهره سیاه دوست دارم، ۱۹۷۰، چوب و پلاستیک و پلاکسی گلاس، ۱۸۲ × ۱۹۴ × ۱۰۰ سانتی‌متر، موزه ملی هنر مدرن پمپیدو پاریس
<https://www.centrepompidou.fr/fr/ressources/oeuvre/YIEfQ1M>



تصویر شماره ۱۲- امانوئل لوتز، واشنگتن در حال عبور از دلاویر، ۱۸۵۱، رنگ روغن روی بوم، ۵/۳۷۸ × ۷/۶۴۷ سانتی‌متر، موزه متروپولیتن.

[https://en.wikipedia.org/wiki/Washington_Crossing_the_Delaware_\(1851_painting\)#/media/File:Washington_Crossing_the_Delaware_by_Emanuel_Leutze,_MMA-NYC,_1851.jpg](https://en.wikipedia.org/wiki/Washington_Crossing_the_Delaware_(1851_painting)#/media/File:Washington_Crossing_the_Delaware_by_Emanuel_Leutze,_MMA-NYC,_1851.jpg)



تصویر شماره ۱۱- جرج واشینگتن در حال عبور از دلاویر: برگی از یک کتاب درسی آمریکا، ۱۹۷۵، رنگ روغن روی بوم، ۴/۱۹۹ × ۶/۲۴۹ سانتی‌متر، مجموعه خصوصی.

<https://www.sothebys.com/en/articles/robert-colescotts-george-washington-carver-crossing-the-delaware-page->

دیگر تفنگ دارد، تنومند و لبخندزنان به مخاطب خیره مانده است. او در یک دست ابزار رهایی و در دست دیگر نماد بردگی نژادی را نگه داشته است» (صحافزاده، ۱۳۸۹: ۱۹۶).

از دهه نود به بعد، شاهد موج تازه‌ای از هنرمندان آمریکایی آفریقایی تبار بودیم که در فضای تکثرگرایی نو پدید این مقطع، به نمایش دوباره ایده‌های مربوط به مسائل هویتی پرداختند. یکی از آثار منحصر به فرد سال‌های اخیر در رابطه با سیاهان، مجسمه‌ای عظیم با عنوان «لطیف» (۲۰۱۴) (تصویر شماره ۸) اثر کارا واکر است. این اثر که در کارخانه شکر سابق دومینو در بروکلین قرار داشت، بر خلاف اسمش با «لطف» فاصله زیادی داشت. مجسمه‌ای با ابعاد بسیار بزرگ از یک زن برهنه در هیبت خدای بانویی ابوالهول وار، که با شکر سفید پوشانده شده بود. در واقع با این که زن داخل مجسمه، ظاهر سیاه پوست دارد اما کاملاً سفید است. حالت بدن و ویژگی‌های مبالغه‌آمیز اثر، یادآور کلیشه‌های نژادی زنان آفریقایی آمریکایی به عنوان دده‌ها و کالاهای جنسی و نمایشی از رنج‌های بی‌حد و حصر برده‌های آفریقایی در تجارت بین‌المللی شکر است. در کنار این مجسمه، چینی متشکل از پانزده مجسمه مرد جوان در ابعاد واقعی وجود داشت که از مجسمه‌های نژادپرستانه موجود در بازار الگوبرداری شده بود. کارخانه و این اثر هنری پس از بسته شدن نمایشگاه در جولای ۲۰۱۴ تخریب شدند. در این میان، آثار نقاشی کری جیمز مارشال هنرمند آمریکایی آفریقایی تبار، طیف وسیعی از ارجاعات هنری و تاریخی، از نقاشی رنسانس تا هنر عامیانه سیاه را شامل می‌شود؛ آثاری که به هدف بازبینی و رفع «خلا موجود در بانک تصاویر» نقش می‌شوند تا آنچه را که ناپیداست، حاضر و قابل مشاهده سازند. او در اثری تحت عنوان «تایید شد، زیباست» (۱۹۹۳) با الهام از «کلاس تشریح دکتر نیکولاس تولپ» (۱۶۳۲) اثر رامبرانت، به تجسم جسد یک زن سیاه‌پوست قرار گرفته بر میز تشریح پرداخته است. در این نقاشی یک زن با رنگ سیاه اغراق شده، روی میز معاینه قرار دارد و پوست یکی از دست‌ها او جدا شده است. در اطراف بدن زن نقوشی محو از گل، کلمات و نمودارهای یک آزمایشگاه آناتومی، نموداری از سیستم عصبی انسان، نمایی از یک خانه و قاب‌هایی مصور به چهره سه رنگین پوست با هاله‌ای مقدس در اطراف سر، قرار دارد. مارشال در این اثر نشان می‌دهد که نه فقط بدن سیاه‌پوستان، بلکه به‌ویژه بدن زنان سیاه در معرض بررسی، اندازه‌گیری و قضاوت است و این مساله، پیوندی ناگسستنی با سوءاستفاده از افراد حاشیه‌نشین، به بهانه ارتقای علم، برای توجیه این جنایات دارد.

خوانش آثار هنرمندان آفریقایی تبار با موضوع «از آن خود سازی» آثار شاخص تاریخ هنر

پیش از مرور آثار هنرمندان آفریقایی تبار، به خوانش مجسمه‌ای از هنرمند آمریکایی لری ریورز، تحت عنوان «من المپیا را در چهره سیاه دوست دارم» (۱۹۷۰) (تصویر شماره ۹) می‌پردازیم. این اثر برداشتی از یک تابلوی نقاشی با عنوان «المپیا» (تصویر شماره ۱۰) یک نقاشی شناخته شده و جنجالی از هنرمند مشهور امپرسیونیست ادوار مانه است. مانه در سال ۱۸۶۳، بدن یک زن بدکاره را به جای یک ونوس به تصویر کشید و در زمان نمایش اثر نقدهای بسیاری را به سوی خود روانه ساخت. حدود یک سده بعد، زمانی که آمریکا در حال تجربه یک فضای سیاسی متلاطم بود، ریورز با تغییر نقش‌ها به نقد جداسازی نژادی در ایالات متحده پرداخت. در تابلوی مانه، یک زن سفید پوست برهنه، در حالتی آرام روی تختی لمیده و گربه‌ای سیاه در پایین پای وی رو به مخاطب با دمی افراشته ایستاده است. زن سیاه پوستی که در سمت راست بوم به تصویر کشیده شده، به ندرت مورد بحث و توجه قرار گرفته است؛ زنی که جایگاهی متفاوت را در مجسمه‌های ریورز از آن خود کرده است. این مجسمه‌ها از جنس چوب، پلاستیک و پلکسی-گلاس است. ریورز در چیدمانی از مجسمه‌ها نقش زن نشسته بر تخت را تکرار کرده است. در طبقه فوقانی، پیکره زن سفید پوست روی نیمکت آرمیده و پیشخدمت به‌طور پیش‌بینی شده سیاه است. در طبقه دیگر او با نگاتیو کردن تصویر پیش چشم، زنی سیاه‌پوست را لمیده بر تخت قرار داده و یک زن سفید پوست به عنوان پیشخدمت حضور دارد. همچنین تصویر گربه در این نقاشی سفید است. هنرمند در این اثر با دست‌کاری کدها از دو رویکرد اقتباس یعنی «انتقال» و «تفسیر» برای خلق اثر خود بهره گرفته است. این اثر اقدامی جسورانه جهت استعمارزدایی از سیاست آمریکا برای نامرئی کردن سیاه‌پوستان و نقدی بر دوگانه سیاه و سفید و ارباب و برده بود. هنرمند با در نظر گرفت شکاف‌های متن منبع و شکست اسطوره مولف، نقدی را شکل

می‌دهد که شامل تمامی تصاویر ارائه شده از سیاهان در رسانه‌ها و شاهکارهای هنری غرب است. پس از آن هنرمندان بسیاری از این شیوه برای بیان نقدهای اجتماعی و سیاسی خود بهره بردند.

رابط کل اسکات در نقاشی‌های خود به بازسازی تاریخ هنر با روایت مورد نظرش پرداخته است. او به بررسی روش‌هایی پرداخت که در آن هویت‌های فردی و فرهنگی از طریق زبان و تاریخ نقاشی ساخته و اجرا می‌شوند. کل اسکات شاید بیش از هر چیز به‌خاطر آثاری که در دهه ۱۹۷۰ خلق کرد، شناخته شده است؛ آثار هنری نمادینی که هنرمند به منظور نمایش غیبت مردان و زنان سیاه‌پوست، به عنوان قهرمان داستان‌های فرهنگی و اجتماعی گفتمان مسلط، بازسازی کرد. او آثار مشهور تاریخ هنر همچون «سیب‌زمینی خوران» و نگوک را انتخاب و شخصیت‌های آن را با شخصیت‌های آفریقایی تبار تعویض کرد. در اثری با عنوان جرج واشینگتن در حال عبور از دلاویر : برگری از یک کتاب درسی تاریخ آمریکا (۱۹۷۵) (تصویر شماره ۱۱)، هنرمند به بازسازی طنزآلود اثر مشهور امانوئل لوتز (تصویر شماره ۱۲) پرداخته است. این اثر که در سال ۱۹۷۵ در دوستمین سالگرد انقلاب آمریکا و تأسیس ایالات متحده به عنوان یک جمهوری مستقل خلق شده به نوعی بیانیه کل اسکات در مورد تاریخ ملی آمریکا است. در این تصویر گروهی از نوازندگان و بازیگران آفریقایی تبار جای قایقرانان تصویر لوتز را پر کرده‌اند. «این سان کل اسکات می‌کوشد تا با طنزی تلخ، طرد یا زیربازنمایی آمریکایی‌های آفریقایی تبار در کتب درسی تاریخ آمریکا را به نقد بکشد و نسبت به استریوتیپ‌های نژادپرستانه عامیانه اعتراض کند. با این حال هرچند قایق انقلاب لوتز در سال ۱۸۵۱ خالی از نماینده‌ای از آمریکایی‌های آفریقایی تبار نبود، قایق انتقام‌خواه کل اسکات بدون سفیدپوستان به راه خود ادامه می‌دهد» (صحاف-زاده، ۱۳۸۹: ۱۹۶). در نقاشی لوتز، واشینگتن به عنوان قهرمان و پدر آمریکا به تصویر کشیده شده است. اما در نقاشی کل اسکات این شخصیت تاریخی که هنرمند وجهی اساطیری به آن بخشیده، با جرج واشینگتن کارور (پیشگام کشاورزی در موسسه‌ای در آلاباما) جایگزین می‌شود و اطراف او را چهره سرخوش عمه جمیما، نوازنده بانجو، ماهیگیر و افرادی در حال نوشیدن پر می‌کنند. کل اسکات در نقاشی خود به بازنویسی تاریخ و اسطوره ملی آمریکا پرداخته و با تقلیدی هجو از عظمت نقاشی تاریخی، به افشای شکاف‌های نژادی ساختار سیاسی آمریکا پرداخته و تصویر کلیشه‌ای مردم آفریقایی آمریکایی را در تاریخ آمریکا به نمایش می‌گذارد. هنرمند در این اثر با خلق «تفسیری» متفاوت، با استفاده از فرم‌های متحرک و رنگ‌های پر زرق و برق، تنش‌های نژادی رایج در جامعه آمریکا را به تصویر کشیده و از طنزی شناخته شده برای درگیر کردن ذهن بینندگان استفاده کرده است.



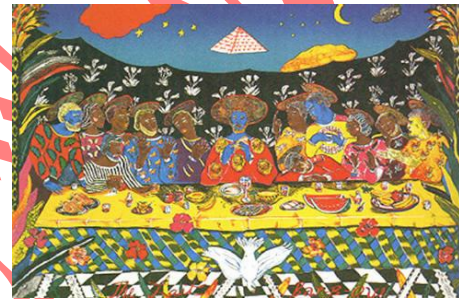
تصویر شماره ۱۴-، بازگشت اودیسه، پینتورچیو، ۱۵۰۸-۱۵۰۹، فرسک
منتقل شده بر بوم، ۱۲۴ × ۱۴۶ سانتی متر، گالری ملی لندن
https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Pinturicchio_



تصویر شماره ۱۳- رومی بیردن، بازگشت اودیسه، ۱۹۷۷، ۱۱۱/۸ × ۱۴۲/۲
سانتی متر، مجموعه خصوصی.
<https://www.wikiart.org/en/romare-bearden/the-return->



تصویر شماره ۱۶- لئوناردو داوینچی، شام آخر، ۱۴۹۵-۱۴۹۸، دیوارنگاره، ۴۶۰ × ۸۸۰
سانتی متر، کلیسای سانتا ماریا دله گرتزیه در میلان ایتالیا.
https://en.wikipedia.org/wiki/The_Last_Supper_Leonardo



تصویر شماره ۱۵- مارگو همفری، آخرین بار بی- کیو، ۱۹۸۷، رنگ
روغن روی بوم، ۶۶ × ۹۷/۲ سانتی متر.
<https://africanah.org/margo-humphrey>

رومیر بیردن نقاش، کارکاتورست و هنرمند کلاژکار آمریکایی-آفریقایی است که زندگی و فرهنگ آفریقایی-آمریکایی را در رسانه‌های مختلف هنری به تصویر کشیده است. «بازگشت اودیسه» (۱۹۷۷) (تصویر شماره ۱۳) نمونه‌ای از تلاش او برای دفاع از حقوق نژاد آمریکایی-آفریقایی تبار، با رویکردی به هنر کلاژ و اقتباس در شیوه «انتقال» است. این اثر، بازخوانش یک شاهکار ادبی و از آن خودسازی یک اثر هنری با عنوان «بازگشت اودیسه» اثر پینتورچیو نقاش ایتالیایی سده پانزدهم و شانزدهم میلادی است. (تصویر شماره ۱۴) این نقاشی نمایش‌گریکی از صحنه‌های «ادیسه» حماسه هومر است که در آن اودیسه قهرمان سرانجام از سفری طولانی به خانه بازمی‌گردد و متوجه می‌شود که با تصور کشته شدن او، خواستگاران تلاش می‌کنند پنهان‌پنهان، همسرش را از آن خود کنند. اودیسه که در لباس یک فقیر ظاهر شده، پنهان‌پنهان را متقاعد می‌کند که باید مسابقه‌ای برگزار کند تا ببیند کدام یک از خواستگاران می‌تواند کمان اودیسه را خم کند. در نهایت از طریق این مسابقه او دوباره به همسر خود می‌رسد. نکته جالب توجه آن جاست که در نقاشی بیردن چهره همه شخصیت‌های انسانی به رنگ سیاه نقاشی شده و این یکی از روش‌هایی است که بیردن برای دفاع از حقوق آفریقایی-آمریکایی به کار برده است؛ او با جایگزین کردن شخصیت‌های سفید با سیاهان، سعی در زیر سوال بردن نقش‌های تاریخی و کلیشه‌ای و آشکار کردن ظرفیت و توانایی‌های سیاهان دارد. یکی از نکات مهم این اقتباس آن است که آنچه اودیسه را اسطوره کرده، روایتی حماسی از تلاش بی‌پایان او برای بازگشت به خانه است؛ تلاشی که بارها توسط قدرت خدایان، قدرت دریاها، رخدادهای و تصمیمات اشتباه، به شکست می‌انجامد اما او در نهایت پیروز این ماجراست. بیردن در ساخت این کلاژ به دنبال ایجاد پیوندی میان مبارزات اودیسه و مبارزات همه آمریکایی‌های آفریقایی تبار بود و از حماسه‌ای یونانی برای تأکید بر مشترکات میان همه انسان‌ها استفاده کرد.

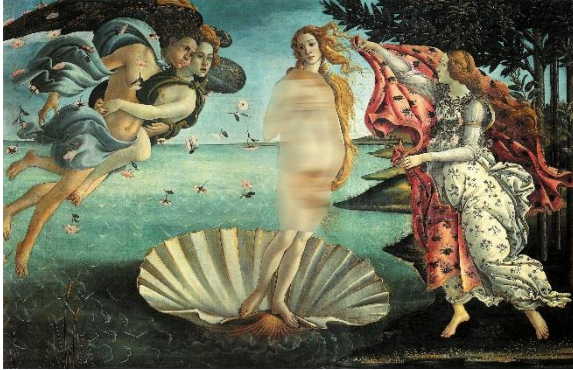
«آخرین بار-بی کیو» (۱۹۸۷) (تصویر شماره ۱۵) اثر مارگو همفری به تصویری از داستان کتاب مقدس مسیحیان و بازخوانش نقاشی مشهور لئوناردو داوینچی با عنوان «شام آخر» (تصویر شماره ۱۶) پرداخته است. در این اثر شخصیت‌های زن و مرد رنگین‌پوست به جای مسیح و حواریون اطراف میزی در حال تناول شام آخر هستند. هامفری یک دیدگاه کاملاً آفریقایی آمریکایی را به وعده شام آخر اضافه می‌کند، افزودن مرغ، موز، هندوانه و انبه، که باعث تقویت کلیشه‌های تصویری شده و هنرمند این مناسبت غم‌انگیز را با رنگ‌های شاد و شوخ‌طبعی به نمایش گذاشته است. حواریون در رنگین‌کمانی از رنگ‌های قهوه‌ای، آبی و زرد در آخرین مهمانی باریکیو شرکت کرده‌اند و تصویر جانوران (پرنندگان، پروانه، شیر، گورخر و...) و گیاهان استوایی بر لباسشان نقش بسته و سفره‌ای رنگین در برابر ایشان گسترده شده است. در پس زمینه اثر با آسمانی آبی و نقوش ماه و ستاره و ابرهای رنگین و تصویری از هرم مصری مواجهیم که اشاره‌ای نمادین به پیشینه نژادی مصریان باستان به عنوان نژادی افریقایی تبار است. در قسمت پایین تصویر در میانه اثر کیوتری سفید، در حال سقوط تصویر شده و با رنگ سرخ بر گیاهان بیرون زده از قاب تصویر و زیرانداز چهارخانه سیاه و سفید، جمله «آخرین باریکیو» نقش بسته است. چنین به نظر می‌رسد که زمینه سیاه پوشیده با گیاهان سفید در پشت سر افراد و زیرانداز چهارخانه سیاه و سفید پایین تصویر، بر نوعی برابری نمادین تأکید دارد؛ با این حال این سیاهی‌ست که در نگاه نخست به چشم می‌آید. نکته جالب توجه هاله دور سر افراد است که شبیه به کلاه‌های تیره با حاشیه قرمز تصویر شده و درخشش تقدس به جای اطراف سر، مربوط به رنگ زرد و درخشان رومی‌ست که چشم مخاطب را به فضای میانی تصویر جلب می‌کند. طبیعی است که رنگ‌هایی که بسیاری از هنرمندان سیاه‌پوست ترجیح می‌دهند، رنگ‌های سرزمین مادری آن‌ها باشد، زیرا در طول قرن‌ها ترجیحات زیبایی‌شناختی در رابطه با محیطی که فرد تجربه می‌کند توسعه می‌یابد. در نهایت می‌توان گفت که این نقاشی اثری‌ست که در طنز آشکار خود، در اقتباسی «انتقالی» و «تفسیری»، معنایی ضمنی و انتقادی داشته و به نوعی بازنویسی تاریخ از نگاه سیاهان در تصویر کردن منجی به عنوان انسانی سیاه‌پوست است.



تصویر شماره ۱۸- ژاک لویی داوید، ناپلئون در حال عبور از آلپ،
 ۱۸۰۱، رنگ روغن روی بوم، ۲۶۱×۲۲۱ سانتی‌متر، کاخ شاتو
 دوالمیسون فرانسه.
https://en.wikipedia.org/wiki/Napoleon_Crossing_the_Alps



تصویر شماره ۱۷- کیهاند ویلی، ناپلئون در حال عبور از آلپ، ۲۰۰۵، رنگ
 روغن روی بوم، ۲۷۴×۲۷۴ سانتی‌متر، موزه بروکلین.
<http://www.theartwolf.com/exhibitions/david-wiley-brooklyn-2020.htm>



تصویر شماره ۲۰-ساندرو بوتیچلی، تولد ونوس، چسبرنگ روی بوم، ۱۷۲/۵ سانتی متر x
 ۲۷۸/۹ سانتی متر، گالری اوفیتزی فلورانس.
[/https://www.arteworld.it/la-nascita-di-venere-sandro-botticelli](https://www.arteworld.it/la-nascita-di-venere-sandro-botticelli)



تصویر شماره ۱۹- هارمونیا روزالس، تولد اوشو، ۲۰۱۷، رنگ روغن روی بوم،
<https://www.wikiart.org/en/harmonia-rosales/birth-of-oshun-2017>

دیگر هنرمند معاصر، کیهاند ویلی است که آثارش نقدی بر نگاه کلیشه‌ای سفیدپوستان به نژاد آسیای در جامعه آمریکایی است. در اثر شاخص ویلی، تحت عنوان «ناپلئون در حال عبور از آلپ» (۲۰۰۵) (تصویر شماره ۱۷) هنرمند به بازنمایی و خلق دوباره یک شاهکار فرانسوی (نقاشی ژاک لوئی داوید با عنوان ناپلئون در حال عبور از آلپ (۱۸۰۱) (تصویر شماره ۱۸) با نگاهی متفاوت پرداخته است. او شخصیت اصلی اثر یعنی ناپلئون بناپارت (انسان سفید) را با یک مرد ناشناس سیاه‌پوست جایگزین کرده است. پرتله اصلی که به یادبود مبارزات نظامی پیروزمندانه ناپلئون علیه اتریشی‌ها نقاشی شد، وجهی از تبلیغات را در خود مستتر داشت. در واقعیت، سربازان ناپلئون مسیر خود را پیاده پیمودند و ناپلئون چند روز بعد، سوار بر قاطر، مسیر کوهستانی را طی کرد. هنرمند در برداشت از این اثر، بر تن سوژه مرکزی، لباسی کاملاً معاصر پوشانده و جزئیات لباس (کفش‌های تیمبرلند، مچ‌بند ورزشی و ...)، بر این احساس دامن می‌زند که این فرد، انسانی امروزی است که در اوایل قرن بیست و یکم زندگی می‌کند. او به جای برداشتی ناتورالیستی از نقاشی داوید، پس‌زمینه‌ای تزیینی و غیر واقعی را مورد استفاده قرار داده که بر ساختگی بودن ساختار تصویر تاکید می‌کند. از این طریق، هنرمند با سنت‌ها و کلیشه‌های تاریخی مقابله کرده و با این شگرد از ما می‌خواهد که در مورد تعصبات تاریخ هنر (مجموعه آثاری که به‌عنوان "شاهکار" در نظر گرفته می‌شوند)، بازنگری کرده و با تفکر درباره موضوع نژاد و جنسیت، هویت سیاهان را از نو تعریف و تأیید کنیم. او برای تاکید بر این مساله نام خود و تاریخ اثر را با حروف رومی - همچون داوید - بر تسمه دور دهان اسب نوشته و بر سطح صخره‌ای که اسامی رهبران (ناپلئون، هانیبال، کارولوس مگنوس) بر آن حک شده، نام ویلیامز (نام خانوادگی رایج آفریقایی-آمریکایی) را نیز نقش می‌زند که تاکید دیگری بر حضور افراد رنگین‌پوست که اغلب از سیستم‌های بازنمایی و بزرگ‌نمایی کنار گذاشته می‌شوند.

هارمونیا روزالس هنرمندی است که آثارش برگرفته از هنر رنسانس ایتالیا است با این تفاوت که شخصیت‌های نقاشی‌های او زنان رنگین‌پوست آفریقایی هستند. روزالس تصویر خلقت آدم توسط میکل‌آنژ را دوباره تصویر کرد و هم خدا و هم اولین "مرد" را در نقش زنان سیاه‌پوست ترسیم کرد. میکل‌آنژ تنها هنرمند کلاسیکی نبود که آثارش توسط روزالس بازخوانی شد. تصویر شماره ۱۹ تحت عنوان «تولد اوشون» اثری متأثر از «تولد ونوس»^۹ (تصویر شماره ۲۰) اثر ساندرو بوتیچلی است. این اثر معیارهای زیبایی را که با خوانش پیکره الهه زیبای رومی، ونوس، تعیین شده است، تغییر می‌دهد. شخصیت حاضر در مرکز تصویر دیگر سفید نیست و بر خلاف موهای بلند و موج و طلایی ونوس، موهای کوتاه سیاهی دارد. این الهه ثابت می‌کند که زیبایی تعاریف بی‌نهایتی دارد و زنان سیاه‌پوست برخلاف نقاشی‌های سنتی که آنها را به‌عنوان خدمتکار یا شخصیت‌های جانبی نشان می‌دهند، می‌توانند در مرکز توجه باشند. در سمت چپ تصویر به جای زن و مرد اساطیری نقاشی بوتیچلی، دو مرد سیاه‌پوست یکی با ردایی سرخ و دیگری سفید به‌چشم می‌خورد. در واقع در این اثر حتی فرشتگان اطراف ونوس بدون بال هستند و چهره و اندام و پوشش سیاهان آفریقایی تبار را داشته و به‌جای گل‌های

پراکنده در اطراف بدنشان، پره‌های طاووس نقش شده است. چنین به نظر می‌رسد که روزالس در اقتباس از شاهکاری تاریخی به «تفسیری» اجتماعی و سیاسی دست زده است.

نتیجه‌گیری

در دوران پست‌مدرن تلاشی گسترده در جهت رفع مسائل و معضلات اجتماعی با رویکردی به نابرابری‌های مربوط به طبقه، نژاد، جنسیت، قوم و... در قبال افرادی که در معرض تبعیض، خشونت، استثمار، سرکوب و در بهترین حالت در معرض دیده نشدن قرار گرفته‌اند، سربرآورد و آنچه در دوران مدرن پدیده‌ای فرعی و طرد شده بود، در جهان پست‌مدرن به مساله‌ای محوری تبدیل شد. در این مقطع، تلاش برای آشکار کردن اشکال پیدای و پنهان این تبعیض‌ها و بازسازی تصویر اجتماعی و بازخوانی تاریخ این گروه‌های هویتی به رویکردی غالب در آثار هنر معاصر تبدیل گردید.

در این میان هنرمندان آمریکایی آفریقایی تبار در حرکتی انتقادی به «از آن خودسازی» شاهکارهای تاریخ هنر پرداختند. این هنرمندان با به چالش کشیدن بازنمایی‌های مرسوم، آثار خود را به مانیفست‌هایی اجتماعی انتقادی تبدیل ساختند. هدف آنها از این اقدام، بازنمایی فرهنگ‌های کمتر دیده شده و در مرکز قرار دادن اقلیت‌های طرد شده، تاکید بر هنرهای زیبا به عنوان چیزی فراتر از ملیت و نژاد، محو کردن مرزهای بین شیوه‌های سنتی و معاصر بازنمایی، نمایش سیاهان در سنتی که از لحاظ تاریخی مختص اشراف اروپایی است، ایجاد یک ضد روایت، واسازی ساختار قدرت، توانمندسازی زنان سیاه‌پوست در فرهنگ غرب و ایجاد حس برابری بود. اکثر آثار تولید شده اقتباسی از شاهکارهای هنری با «تفسیری» متفاوت در بازنمایی دوباره خود هستند. این هنرمندان با نادیده گرفتن اسطوره مولف و از آن خودسازی تصویر، به بازتعریف هستی‌شناختی و نقد تصاویر ثبت شده در تاریخ رسانه‌های غربی از سیاهان می‌پردازند. هدف گفتمان انتقادی این آثار، تزلزل نظام‌های معنایی حاکم و تشریح فهم‌های بدیهی انگاشته و تبدیل آن‌ها به موضوع بحث و نقد و سرانجام، آماده کردن آن‌ها برای تغییر و بازسازی است.

پانویس

^۱ Appropriation «از آن خودسازی» «فراخورنمایی»: هنرمند آثار پیشین را به‌منظور برگرداندن آن‌ها به دنیای هنر با رویکردی نوین در آثار خود مورد استفاده قرار می‌دهد. (Stokes, 2007: 125)

^۲ Norman Fairclough (۱۹۴۱) زبان‌شناس و پژوهشگر بریتانیایی.

^۳ Kymberly N. Pinder مورخ هنر آمریکایی.

‡ Race-ing Art History: Critical Readings in Race and Art History

‡ Harry Henderson

‡ A History of African American Artists: From 1972 to the Present

^۷ نویسندگان در این مقاله با نگاهی حقوقی به مالکیت اثر هنری، معتقدند که آگاهی به حضور اثر اولیه، شرط وقوع وضعیت از آن خودسازی است. در غیر این صورت، اثر ثانویه با خروج از وضعیت خود، در حوزه جعل و سرقت هنری یا ادبی قرار می‌گیرد. اما چنانچه در خلق اثر هنری از آن خود ساز، کوششی برای فریب مخاطب مشاهده نشود، می‌توان معیارهایی نظیر بررسی نیت هنرمند، انگیزه، هدف، مقدار و اهمیت بخش مورد استفاده در اثر ثانویه و... را جهت ارزیابی تعیین جایگاه حقوقی آثار از آن خود ساز ارائه داد.

^۸ نویسندگان در این مقاله در پی یافتن پیوند میان تفکر ضد افلاطونی دلوز و شگردهای هنر مدرن بوده و در تلاشند تا با ریشه‌یابی برخی مفاهیم هنر مدرن و نیز پست‌مدرن، رد پای آن را در اندیشه دلوزی جستجو کنند.

^۹ نویسندگان در این مقاله با خوانش آثار سه هنرمند، مساله از آن خود سازی را در هنرشان مورد بررسی قرار داده است و معتقد است که این هنرمندان در جهت زیر سوال بردن هویت جنسیتی، مرزهای سیاسی و اجتماعی، گاه با جوهره طنز و کنایه در قالبی پست مدرن و گاه با تغییر کامل مدیا به خلق آثار هنری از آن خود ساز پرداخته‌اند.

1 . Reification

1

۱۲ . برای کسب اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: (Gibson, 1997: 119)

۱۳ . برای کسب اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: (صحافزاده، ۱۳۸۹: ۱۹۰)

۱۴ . آدرین پایپر که به‌عنوان یک کانسپچوالیست تندرو کار خود را آغاز نموده بود، به مرور متوجه شد که هویت او به عنوان یک زن سیاه پوست، تا چه حد فرم و محتوای کار او را تحت تاثیر قرار داده است. وی در اجراهایش هویت فرهنگی و جنسیتی نامعلومی را برمی‌گزید. در «من جایگاه مورد نظر هستم» (۱۹۷۵) در چهره ای سفید و آرایشی خاص با سبیلی که بر چهره‌اش کشیده بود و مدل موی فر، عقاید، نگرش‌ها و نیروهای اجتماعی مختلف را در خود گرد آورد (آرچر، ۱۳۹۸: ۱۳۰-۱۳۱).

1 . Julie Sanders	5
1 . Deborah Cartmell (۱۹۵۶)	6
1 . transposition	7
1 . commentary	8
1 . analogy	9

۲۰ . برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: (شیوا و دیگران، ۱۳۹۹: ۵۴-۵۵).

۲۱ . Identity politics «فرض بنیادین سیاست هویت این است که برخی از گروه‌های اجتماعی به صرف ویژگی‌هایی که با آن به عنوان یک گروه اجتماعی شناسایی می‌شوند، مانند زنان یا آمریکاییان آفریقایی‌تبار، همواره به شیوه‌های گوناگون در معرض سرکوب یا دیده نشدن هستند و شدیداً نسبت به رفتارهای فرهنگ غالب آسیب‌پذیرند. این شیوه‌ها می‌تواند آگاهانه یا بر مبنای آموزه‌های اجتماعی باشند که خود را در شکل خشونت (که شایع‌ترین شکل آن تمسخر است)، حذف، به حاشیه راندن و استثمار، نشان می‌دهند. سیاست هویت علاوه بر تلاش برای مرئی ساختن اشکال آشکار و پنهان این تبعیض‌ها و تعصبات، تلاشی پیگیر برای بازسازی تصویر اجتماعی، بازتعریف هستی‌شناختی و بازخوانی تاریخ این گروه‌های هویتی را در دستور خود دارد (صحافزاده، ۱۳۸۹: ۱۸۰-۱۸۱).

۲۲ . Robert Seldon Duncanson (۱۸۷۲-۱۸۲۱) هنرمند نقاش آفریقایی-آمریکایی - اروپایی.

۲۳ . Henry Ossawa Tanner (۱۹۳۷-۱۸۵۹) هنرمند نقاش آفریقایی-آمریکایی.

۲۴ . The Banjo Lesson (۱۸۹۳)

۲ Harlem Renaissance

۲۶ . Harlem یکی از محلات شهر نیویورک است.

۲۷ . این مساله به تدریج با مخالفت دامنه دار بسیاری از هنرمندان آفریقایی تبار مواجه شد. افرادی چون رومر بیردن (در نیمه دوم فعالیت هنری خود)، نورمن لوئیس، دیوید دریسکل و هیل وودراف از جمله هنرمندان معترض به محدود شدن آزادی بیان هنرمندان در مواجهه با ایده‌های تحمیلی بودند.

۲۸ . Lois Mailou Jones (۱۹۰۵-۱۹۹۸) هنرمند و آموزگار سیاه‌پوست آمریکایی.

۲۹ The Ascent of Ethiopia

3 Aaron Douglas (1899-1979)	0
3 Harriet Tubman	1
3 Silhouette: به فرانسوی	2
3 Jacob Lawrence (1917-2000)	3

۳۴ . در این زمان «موجی از رویدادهای هنری دنیا را پر کرد و هنرمندانی با ملیت‌ها، قومیت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون، که سالپان سال، نادیده گرفته شده بودند، مطرح گشتند [...] در ادامه، ظهور پدیده چند فرهنگی، مصادف شد با پایان جنگ سرد، و دو نمایشگاه که انحصار نهادی سفیدپوستان را در پاریس و لندن شکست (استلاپراس، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۷). یکی از این دو نمایشگاه، نمایشگاه ساحران زمین در مرکز ژرژ پومپید بود. این پدیده، مرکززدایی از مراکز اصلی فرهنگی و هنری جهان و توزیع هنر در مراکز بین‌المللی را بر عهده داشت و با انتخاب نیمی از آثار از کشورهای آسیایی و آفریقایی، سعی در ارایه گفتمانی جهانی‌تر از هنر را داشت، که در آن، ضمن حفظ خصلت‌های بومی، هنر را وارد گفت‌وگو با زمینه وسیع‌تر جهانی می‌کرد (همان: ۳۷).

۳۵ . Jean-Michel Basquiat (۱۹۶۰-۱۹۸۸) هنرمند آمریکایی.

۳۶ Puerto Rico

۳۷ Untitled (History of the Black People)

۳۸ Oziris

۳۹. Chicano movement جنبش اجتماعی حامی فرهنگ و هویت مکزیکی.
۴۰. Double minority «افرادی که در وضعیت روان‌شناختی حاصل از تعلق به بیش از یک هویت فروکاسته شده قرار دارند، «اقلیت دوچندان» نامیده می‌شوند. تاثیر برهم کنش این هویت‌ها بر خود، نیرومندتر از تاثیر حاصل از یک هویت به تنهایی است (Gonzales, 2005: 661).
۴۱. Faith Ringgold (۱۹۳۰) نقاش، نویسنده و مجسمه‌ساز آمریکایی.
۴۲. American People
۴۳. Betye Saar (۱۹۲۶) هنرمند آفریقایی-آمریکایی.
۴۴. Alison Saar (۱۹۵۶) هنرمند آفریقایی-آمریکایی.
۴۵. The Liberation of Aunt Jemima
۴۶. A Subtlety
۴۷. Kara Walker (۱۹۶۹) نقاش، چاپگر، هنرمند اینستالیشن و فیلمساز آمریکایی.
۴۸. Domino Sugar factory
- | | |
|--|---|
| 4 Kerry James Marshall (1955) | 9 |
| 5 Beauty Examined | 0 |
| 5 Die Anatomie des Dr. Tulp | 1 |
| 5 Rembrandt Harmenszoon van Rijn (1609-1669) | |
۴۹. I like Olympia in black face
۵۰. Larry Rivers (۱۹۲۳-۲۰۰۲) هنرمند مجسمه‌ساز و نقاش و موسیقی‌دان آمریکایی.
۵۱. Édouard Manet (۱۸۳۲-۱۸۸۳) هنرمند نقاش فرانسوی.
۵۲. برای کسب اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: (Powell, 1997: 149).
۵۳. Robert colescott (۱۹۲۵-۲۰۰۹) نقاش آمریکایی.
۵۴. Potato Eater 8
۵۵. George Washington carver crossing the delaware
۵۶. Emanuel Gottlieb Leutze (۱۸۱۶-۱۸۶۸) هنرمند نقاش آلمانی-آمریکایی.
۵۷. George Washington Carver 1
۵۸. Romare Bearden (۱۹۱۱-۱۹۸۸) هنرمند آمریکایی-آفریقایی.
۵۹. The Return of Odysseus
۶۰. Pinturicchio, or Pintoricchio (1454-1513)
۶۱. The Last Bar-B-Que
۶۲. Margo Humphrey (۱۹۴۲) هنرمند نقاش آمریکایی-آفریقایی.
۶۳. Kehinde Wiley (۱۹۷۷) نقاش آمریکایی.
۶۴. Harmonia Rosales هنرمند آفریقایی-کوبایی بومی شیکاگو
۶۵. Birth of Oshun
۶۶. Birth of Venus
۶۷. Sandro Botticelli (۱۴۴۵-۱۵۱۰) نقاش فلورانس دوران رنسانس ایتالیا.

منابع

- آرچر، مایکل (۱۳۹۸). هنر بعد از ۱۹۶۰. ترجمه کتابیون یوسفی، تهران: حرفه هنرمند.
- پروانه‌پور، مجید؛ بینای مطلق، سعید (۱۳۹۸). از آن خودسازی و فلسفه ژیل دلوز: جستاری درباره ارتباط تفکر و ضد افلاطون گرایی دلوزی با هنر مدرن. نشریه پژوهش‌های فلسفی، ۲۶، ۸۳-۱۰۱. doi: 10.22034/jpiut.2019.8038

-شیوا، آسان؛ منصور حسامی و زهرا شاکری (۱۳۹۹)، «از آن خود سازی هنری و تعیین جایگاه حقوقی پدید آورنده». فصلنامه کیمیای هنر، ۹(۳۶)، ۴۹-۶۱.

Shiva A, Hessami M, Shakeri Z. "Appropriation Art" and Recognition of the Legal Status of the Author. کیمیای هنر ۲۰۲۰؛ ۹ (۳۶): ۴۹-۶۱

- صحافزاده، علیرضا (۱۳۸۹). هنر هویت و سیاست بازنمایی. تهران: بیدگل.
- طاهری، صدرالدین (۱۳۹۷). تحلیل نشانه شناختی روایت اقلیت دوچندان در هنر لورنا سیمپسون. نشریه زن در فرهنگ و هنر، ۱۰ (۳)، ۳۳۳-۳۵۰. doi: 10.22059/jwica.2018.252891.1038
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قیاسی، زهرا (۱۳۹۷). جعل و از آن خودسازی هنر. تهران: آوام سرا.
- لوسی اسمیت، ادوارد (۱۳۸۰). مفاهیم و رویکردها در آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم. ترجمه علیرضا سمیع آذر، تهران: نشر نظر.
- کشمیرشکن، حمید (۱۳۹۸). درآمدی بر نظریه و اندیشه انتقادی در تاریخ هنر. تهران: چشمه.
- کولافسکی، لشک (۱۳۸۷). جریان‌های اصلی در مارکسیسم. ترجمه عباس میلانی، تهران: اختران.
- لعل کمالیان، سارا (۱۴۰۱). بررسی مفهوم از آن خودسازی در هنر معاصر با نگاه به آثار باربارا کروگر، سیندی شرمین و شری لوین. مطالعات میان رشته‌ای هنر و علوم انسانی، ۱(۴)، ۱۰۷-۱۲۵.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۳). دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر. ترجمه مهران مهاجر، محمد نبوی، تهران: آگه.
- ملیس، سایمن؛ ویک، پاول (۱۳۹۷). درآمدی بر نظریه انتقادی. تهران: سمت.
- وارد، گلن (۱۳۹۳). پست‌مدرنیسم. ترجمه قادر فخر رنجبری و ابودر کرمی، تهران: ماه.
- Ashcroft, B., Gareth Griffiths. G., Tiffin, H. (1989). *The Empire Writes Back*. London: Routledge.
- Bearden, Romare., Henderson, Harry. (1993). *a History of African American Artists: From 1972 to the Present*. Published by Pantheon.
- Fairclough, N. (1996). *Language and power*, Longman Group UK Limited.
- Gibson, Ann Eden. (1997). *Abstract Expressionism: Other Politics*, Yale University Press.
- Gonzales, p.m., Blanton, H., and Williams, K. J. (2005). The effect of stereotype threat and double-minority status on the test performance of Latino women. *Personality and social psychology bulletin*, 28(5), pp 659-670.
- Pinder, Kymberly. N. (2002). *Race-ing Art History: Critical Readings in Race and Art History*. New York: Routledge.
- Powell, Richard. J. (1997). *Black Art and Culture in the 20th Century (World of Art)*. Thames & Hudson; First Edition.
- Stokes, S. (2001). *Art and Copyright*. North America and Canada: Hart Publishing Oxford and Portland, Oregon.
- Sanders, Julie. (2006). *Adaptation and Appropriation*. London & New York: Routledge.

**Analyzing the Discourse of “Appropriation “of History in the Critical art Of African-
American Artists**

Tarannom taghavi

* PhD of Art Research, Department of Advanced Studies of Art, School of Visual Arts, College of Fine Arts, University of Tehran, Iran.

Mostafa Goudarzi

Professor, Department of Advanced Studies of Art, School of Visual Arts, College of Fine Arts,
University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract: Postmodern art became art to deconstruct the hidden ideologies of the discourse of power for socio-political purposes, such as the struggle against the masterpieces of art, against heroism, against gender antagonisms and racism. In this period, a broad effort to address social issues and problems with an approach to inequalities related to class, race, gender, and ethnicity to people who are exposed to

discrimination, violence, exploitation and repression. This critical content chose different ways of expressing itself; from a realistic presentation to a copy, an eclectic work, ironic references and "Appropriation" works of art that at first glance is accompanied by humor and comparison. Appropriation means to possess something, and in relation to art, it means to use or adapt pre-existing works of art and to borrow them to create a new work. At this time Appropriation for a specific purpose was an action that could not be avoided in the postmodern-centered state of contemporary art. The 1960s saw the emergence of a process that allowed artists to adapt and self-create other artists' works without modification or by slightly modifying or inserting parts of other people's artwork into their own, with the goal of substituting their own voice for another and substitute voice. Opened a new meaning instead of the previous one. Since then, art Appropriation has peaked in the 1980s, and today the widespread use of image capture in the creation of works of art has become commonplace. The contemporary era seems to have introduced artists to the world who were eager to reinterpret and re-represent these paintings in order to expose lesser-represented cultures and elevate excluded minorities to the center of discourse. Since the late nineteenth century, African American artists, with a return to the historical past and the use of black heroes and their epic and revolutionary ideas, and under the influence of political and social events, with their works of art to fight against racial colonialism. And painted a bright future for the black nation. But today's art is different from what we know as black art in the second half of the nineteenth century and the first half of the twentieth century. This study, in order to answer the question of the role of images in deconstructing aesthetics and deconstructing the power structure, focuses on postmodern art and critically analyzes the works of African American artists on the subject of "appropriation" of famous works of art history. Paid. By challenging conventional representations, these artists turned their works into critical social manifests. Consequently, among the goals of artists in this way of representation is to focus on excluded minorities, to emphasize the fine arts as something beyond nationality and race, to create a counter-narrative, to deconstruct the power structure, to empower blacks in culture west and create a sense of equality. Most of the produced works are adaptations of artistic masterpieces with a different "interpretation" in their re-representation. This research is based on the nature and method, descriptive-analytical and method of data collection in the form of a library.

Keywords: Black Art, Critical Discourse Analysis, Appropriation, Contemporary Art, Postmodern

Author of the article : Tell: 09125624006, Telefax: 021-44892377, Email: Taghavi_tm@yahoo.com

Part of This article is extracted from the first author's thesis entitled: "Discourse of Social Commitment in Emphasizing on the Contemporary Visual Arts of Iran in the in the last two decades" under supervision of second author.